

## درس‌هایی از سیره فاطمی برای زن مسلمان

بانوی بانوان، حضرت زهرا(ع)، همچنان پس از گذشت قرن‌ها، برای همه بشریت به ویژه زنان و دختران «الگو»ست...



بانوی بانوان، حضرت زهرا(ع)، همچنان پس از گذشت قرن‌ها، برای همه بشریت به ویژه زنان و دختران «الگو»ست. روز ولادت او را به نام «روز زن» و «روز مادر» نام نهاده‌اند، تا همه زنان مسلمان و مادران نمونه، از فضایل و شایستگی‌های آن سرمشق خوبی‌ها، الگو بگیرند. جلوه‌های الگویی آن بانو، برای نسل امروز فراوان است.

به گزارش «تابناک»؛ حضرت فاطمه (ع) در جنبه‌های فردی و اجتماعی، عبادی و سیاسی، اخلاق و معاشرت، تربیت و خانه‌داری، عبادت و بندگی، علم و دین‌آموزی و... می‌تواند سرمشق ما قرار گیرد. اگر به این «آینه کمال» بنگریم، جلوه‌های فضیلت را خواهیم دید و شناخت. برای سهولت در «الگوگیری» از آن اسوه پاک، به نمونه‌هایی از سیره رفتاری آن حضرت، در چند بخش اشاره می‌کنیم:

### بعد عبادی

آنچه به وجود انسان معنی می‌بخشد، رابطه «نیایش» و «پرستش» با معبود است. هر که در دستگاه خدا «بنده»تر باشد، آزادتر و مقرب‌تر است.

پیروان سیره زهرا(ع) همچون او باید اهل ذکر، دعا، خلوت، تهجد و نماز باشند.

حضرت فاطمه (ع) بسیار شیفته عبادت و نیایش به درگاه الهی بود. از همه دل بریده بود و دلش پیوسته با پروردگارش بود.

آنقدر در پیشگاه خدا به عبادت می‌ایستاد که قدم‌هایش ورم می‌کرد[1] و هرگز از نماز و دعا و نیایش خسته نمی‌شد، بلکه لذت معنوی او در عبادت بود.

در نمازهایش از خوف خدا می‌گریست.

برای هر روز از روزهای هفته، و تعقیبات نماز، دعا‌های ویژه‌ای داشت (در کتاب‌های دعا، متن دعاها و ذکرهای روزانه و تعقیبات نماز آن بانوی بزرگ آمده است).

در دعا‌هایش برای زنان و مردان مؤمن دعا می‌کرد، ولی برای خود دعا نمی‌کرد. وقتی علت را می‌پرسیدند، می‌فرمود: اول همسایه، سپس خانه! [2]

تسبیحات حضرت زهرا(ع) از برکات آن بانو است. روزی خسته از کارهای طاقت‌سوز خانه، با دست‌های تاول‌زده به محضر پیامبر خدا(ص) رفت تا برای کمک در انجام کارهای خانه کنیزی برای خود بگیرد.

رسول خدا(ص) بهتر از کنیز و خدمتکار را به او عطا کرد، یعنی «تسبیحات حضرت زهرا(ع)». [3] این ذکرهای شریف را حضرت جبرئیل (ع) از سوی خداوند آورد و به حضرتش تعلیم داد.

آری... الهام و نیرو گرفتن از یاد خدا برای غلبه بر دشواری‌های زندگی!

انس او با محراب عبادت و خلوت او در پیشگاه پروردگار و عشقی که به نماز داشت، او را محبوب خدا و حبيب رسول ساخته بود.

شب‌های قدر، برنامه‌های مفصل‌تری داشت، حتی افراد خانه را هم در طول روز آماده می‌کرد تا شب قدر را بیدار بمانند و به عبادت بپردازند و می‌فرمود: «محرورم کسی است که از خیر شب قدر محروم بماند».

هر که در پی «سیرت فاطمی» باشد، باید در کنار تلاش های روزانه، اهل نیایش شبانه هم باشد و نماز و یاد خدا را در زندگی، سرمایه تقرب به خدا قرار دهد.

## بعد اخلاقی

حضرت زهرا(ع) محبوب پیامبر(ص) بود و در زهد و عبادت و خوبی، یادآور صفات و فضایل مادرش خدیجه کبرا بود.

ادب و متانت او در گفتار، زبانزد و معروف بود و اخلاق و نشست و برخاست او، به پدرش پیامبر خدا شباهت داشت.

حضرت رسول (ص) هنگام دیدار با او، دست دخترش را می بوسید و به او خوشامد می گفت و او را در جای مخصوص خودش می نشاند. فاطمه زهرا(ع) نیز همین ادب را در مورد پدرش داشت و هنگام ملاقات با پدر، دست او را می بوسید. بارها پیامبر خدا خطاب به این دختر شایسته و والا قدر خود، گفته بود: پدرش به فدایش!

صداقت و صراحت لهجه و راستگویی، از ویژگی های آن حضرت بود. یکی از همسران پیامبر می گوید: من کسی را راستگوتر از فاطمه ندیدم، مگر پدرش را.[4]

چنان خود را در خدا و رضای خدا محو و فانی کرده بود که به تعبیر روایات، خشم و رضای او خشم و رضای پروردگار به شمار می رفت، یا رضایت و غضب او با خشم و رضای پیامبر اعظم (ص) برابر بود.

ساده و با قناعت می زیست و دل از زرق و برق دنیا بریده بود. آیین همسرداری را در خانه به خوبی مراعات می کرد و در برخورد با دیگران مخصوصاً همسرش فروتنی داشت و برای رسیدن به مقامات بلند، سختی های زندگی را همراه با قناعت و مناعت تحمل می کرد.

از پاسخگویی به سؤالات دینی زنان خسته نمی شد و با روی باز از آنان استقبال می کرد.

وقتی او را شبیه ترین افراد به پیامبر دانسته اند، همه اخلاق نیکوی حضرت رسول را در وجود و رفتار او می توان سراغ گرفت و به او اقتدا کرد.

درس هایی از سیره فاطمی برای زن مسلمان

## در اندیشه دیگران

حضرت فاطمه (ع) دست پرورده مکتب وحی و تربیت یافته حضرت محمد(ص) است. اسلام، دین نوع دوستی، اهتمام به امور مردم، دلسوزی برای تهیدستان و یاری مظلومان است.

زهرا(ع) نیز که اسوه ماست، مظهری از این صفات و رفتار مکتبی بود.

در سیره رفتاری آن حضرت آمده است: وی از توان مالی خویش در راه کمک به محرومان نیازمند بهره می گرفت. یک بار، پارچه ای را که داشت، به رسول خدا(ص) داد و آن حضرت آن را تکه تکه برید و به تعدادی از اسیران بی لباس رومی داد که خود را بیوشانند.

داستان نزول سوره «هَلْ أَتَى» در شأن این خانواده نیز، بر همین محور است که این خانواده، برای ادای نذر خویش سه روز روزه گرفتند و هنگام افطار، غذای خود را به مسکین و یتیم دادند: (وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حَيْثُ مَسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا).[5]

آزادسازی بردگان در نظر او کاری ارزشمند بود.

گردن بندی را که علی (ع) برای او خریده بود، فروخت و با پول آن برده ای خرید و آزاد کرد. پیامبر اکرم (ص) از این کار دخترش بسیار خرسند و شادمان گشت و او را ستود.

در فکر مردم بودن، «روح مسلمانی» است. آن بانو، حتی در دعا و حاجت خواهی از خدا هم از یاد مردم غافل نبود. گاهی شب های جمعه تا صبح، به نماز و دعا می پرداخت و برای دیگران دعا می کرد، اما برای خود چیزی از خدا نمی خواست. وقتی فرزندان خردسالش راز این کار را می پرسیدند، می فرمود: فرزندانم! اول همسایه، آن گاه خانه!

داستان بخشیدن جامه تازه عروسی را به نیازمندی که در خانه حضرتش آمده بود، شنیده و خوانده اید. این نیز جلوه ای از روحیه ایثار و بخشندگی آن حضرت و نشانه نועدوستی و محروم نوازی و کمک به نیازمندان بود.

شیعه زهرا(ع) نیز از توان مالی خود در رفع نیاز دیگران بهره می گیرد و در غم و شادی دیگران، خود را سهیم و شریک می داند.

تنها به فکر راحتی خود بودن و غم مردم نخوردن، از «سیره فاطمی» به دور است و شیعه زهرا، در این مورد هم باید از آن بانوی بزرگ، درس بیاموزد.

## عفاف و حجاب

از بارزترین جلوه های الگویی بانوی اسلام، زهرا(ع)، حُجْب و حیا و عفاف آن حضرت بود.

پوشش از «نگاه حرام» و «چشم نامحرم»، هم مصونیتی برای بانوان پدید می آورد، هم جامعه را از تباهی و فساد باز می دارد، و هم نشانه آگاهی و بیداری زن و پرهیز از تبدیل شدن به ابزار سودپرستی و کامجویی بولهبوسان است.

اینها گوشه ای از فلسفه حجاب در مکتب است.

حضرت زهرا(ع) هم در سخن، معلم حجاب بود، هم در رفتار، اسوة عفاف.

عقیده داشت بهترین چیز برای زن، آن است که نه نامحرم او را ببیند و نه نگاه او به مردان نامحرم بیفتد. این سخن، نه به معنای ردّ فعالیت ها و حضور اجتماعی زن در صحنه، بلکه هشدار و تذکر به لغزشگاه هایی است که بر سر راه پاکدامنی و عفاف وجود دارد و گاهی زمینه یک فساد عظیم، یک «نگاه» است، چه از سوی زن، چه مرد.

وقتی یک مرد نابینا وارد خانه آن حضرت می شود و با رسول خدا(ص) ملاقات می کند، با ورود او، زهرا(ع) برمی خیزد و فاصله می گیرد و خود را می پوشاند، یا پشت پرده می رود. وقتی پیامبر می فرماید: دخترم! این مرد نابیناست. زهرا(ع) عزیز پاسخ می دهد: اگر او نمی بیند، من او را می بینم و او بوی مرا استشمام می کند. پیامبر خدا با شنیدن این کلام، ضمن تأیید گفتار دخترش می فرماید: گواهی می دهم که تو پاره تن منی.

نیز نقل شده که پیش از وفات، به علی (ع) و به «اسماء» وصیت کرد که چون از دنیا رفت، پیکرش را داخل تابوتی بگذارند تا حجم بدن دیده نشود!

پیش از آن رسم بود که زنان را روی تابوت سرباز می نهادند و حجم بدن معلوم می شد. اسماء به آن حضرت یادآور شد که در سرزمین حبشه، برای مرده ها تابوتی می سازند که حجم بدن و اندام را می پوشاند. شکل آن را هم برای آن بانوی بزرگوار ترسیم کرد. حضرت فاطمه (ع) فرمود:

«ای اسماء! برای من نیز شبیه آن را بسازید، و پس از مرگ، پیکرم را درون آن بگذارید تا مرا بیپوشاند. خداوند تو را از آتش دوزخ بیپوشاند!»

آن نیز درسی برای عفاف جامعه و آرامش روحی افراد است، که در سایه پوشش زن و کنترل نگاه مردان، مصونیت و ایمنی

## حضور سیاسی

بی تفاوتی در قبال آنچه در جامعه می گذرد، به خصوص در زمینه وضعیت سیاسی و اجتماعی و حقوق عمومی، دور از روش و منش اسلامی است.

حضرت زهرا(ع)، دختر رسول بزرگواری است که «مدنیت اسلام» را بر پایه وحی پدید آورد و به مسلمانان، تعهد اجتماعی و نظارت بر عملکرد مسؤلان و حساسیت به معروف و منکر را آموخت.

دختر رسالت، به مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی بی تفاوت نبود و جبهه حق را یاری می کرد.

پس از رحلت پیامبر (ص) که خلافت را غصب کردند و فدک را از او گرفتند، او همراه زنان بنی هاشم به مسجد رفت و در جمع مسلمانان حاضر، ضمن خطبه ای که پشت پرده خواند، از بدعت ها، ستم ها، حق گشی ها و فراموش کردن وصیت رسول خدا(ص) و جان گرفتن دوباره سنت های جاهلی انتقاد کرد و ریشه های سهل انگاری در دفاع از حق، و فراموش کردن توصیه های قرآن و پیامبر را در عادت کردن به زندگی مرقه و دنیا دوستی و لذت طلبی دانست و این را که به آن سرعت، دستاوردهای وحی و دین و خدمات و زحمات پیامبر را از یاد بردند، نکوهش کرد.

خطبه او (که تاکنون بارها از سوی دانشمندان دینی شرح شده است)، نشانه تعهد اجتماعی و حضور در صحنه دفاع از بنیانهای دینی و مبارزه با بدعت ها و غفلت هاست.

تلاش برای اثبات حق و ولایت علی (ع) و مبارزه با انحراف در رهبری امت اسلامی را تکلیف خود می دانست. گاهی شب ها به همراه علی (ع) به در خانه مهاجران و انصار می رفت و در حمایت از ولایت، توصیه ها و وصیت های پدرش را به یادها می آورد و آنان را به دفاع از حق شوهرش در مسئله خلافت (که در واقع حق امت بود) و نیز حمایت از حق خودش فرا می خواند. هر چند آنان با سردی و بی مهری پاسخ می دادند و برای دفاع از حق بی تفاوت بودند و بهانه و عذر می آوردند، ولی آن بانوی بزرگ، برای اتمام حجت، آنان را به این یاری فرا می خواند تا فردا نگویند کسی به ما نگفت و یادآوری نکرد!

مردم، با شأن و مرتبه ای که برای حضرتش می شناختند، به خاطر او، حضرت علی (ع) را بیشتر مراعات می کردند. به نوشته مورخان، زهرای مرضیه (ع) تا زنده بود، علی (ع) حامی نیرومندی داشت و به خاطر فاطمه (ع)، حرمت علی (ع) را پاس می داشتند. اما پس از شهادتش، علی تنها تر و بی پناه تر گشت.

خط سیاسی فاطمه زهرا(ع) بسیار روشن و روشنگر و ابهام زدا بود. چنان مدبرانه عمل می کرد که پس از او هم راه، روشن بماند.

اینکه وصیت کرد پیکرش را شبانه غسل دهند و به خاک سپارند، تا آنان که بر وی ستم کردند و او را آزرده، در مراسم دفن او حضور نداشته باشند و از این حضور نتوانند بهره سیاسی ببرند و کارهای خود را تطهیر و توجیه کنند، نمونه ای از درایت و آینده نگری حضرت بود. هنوز هم مخفی بودن مکان دفن او، روشنگر حقیقت و نشانه ظلمی است که بر او و خاندان پاک پیامبر خدا رفته است.

وصیت او نیز بار سیاسی داشت و بیانگر مواضعش در مسایل اجتماعی و سیاسی بود.

فداکاری و جانبازی در راه دین، کلید سعادت اجتماعی و رستگاری ابدی است.

اولیای دین، هم آموزگاران، هم مدافعان و هم احیایان «خط جهاد» و «فرهنگ شهادت» بودند.

حضرت زهرا(ع) نیز، با سیره و رفتار خود، تلاش در زنده نگه داشتن این خط و فرهنگ داشت؛ حتی با برنامه های عبادی و ذکر و دعا و زیارت، به پاسداری از آرمان های شهدا می پرداخت.

تسبیح حضرت (ع) که با آن ذکر می گفت، نخی بود که به تعداد ذکرها و تکبیرها «گره» داشت و با آن تسبیح می گفت. پس از شهادت حمزه سیدالشهدا در جنگ احد، از خاک تربت او تسبیح ساخته بود و با آن ذکر می گفت. از آن پس مردم نیز در پیروی از رفتار او چنان کردند.[6] این کار و برنامه، نوعی احیای فرهنگ شهادت و زنده نگه داشتن یاد و خاطرة آن الگوهای ایمان و ایثار و جهاد و الهام گیری از روح شهیدان راه خداست، تا این فرهنگ در نسل های آینده هم زنده بماند.

بانوی بزرگ اسلام، حضرت فاطمه (ع) در صحنه های اجتماعی دفاع از دین و پیشوا و رهبری حاضر بود؛ از جمله در جنگ احد که نخستین رویارویی مسلمانان با مشرکان بود، شرکت داشت و به امدادگری و مداوای زخم های رسول خدا(ص) مشغول بود. همراه سه زن دیگر از مدینه آب و غذا می آوردند و به جبهه نبرد می رساندند و به درمان مجروحان می پرداختند.[7]

زنان قهرمان ملت ما نیز در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، با الهام از آن حضرت، یاریگر مدافعان حق و پشتیبانی کننده صحنه های جهاد و مبارزان راه انقلاب بودند.

او احیای خط شهادت و رشادتهای مبارزان را، سال ها پس از حماسه احد نیز داشت و به خاطره معطر آنان وفادار مانده بود و می کوشید تا به عنوان راوی صادق آن صحنه های ایثار و فداکاری عمل کند.

به نقل تاریخ، روزهای دوشنبه و پنجشنبه به احد می رفت و مزار شهدای احد و حضرت حمزه را زیارت می کرد. از آنجا که خود در صحنه نبرد احد حضور داشت و صحنه های آن را دیده بود، به عنوان یک شاهد زنده و روایتگر آن حماسه دینی، به دیگران نشان می داد و می فرمود: اینجا پیامبر(ص) بود و آنجا مشرکان!

این عمل، هم الگوی «زیارت شهید» را دارد، هم زنده نگه داشتن خاطرات شهدا و وقایع ایام نبرد را.

با تکریم یاد شهیدان و گرامیداشت ایام جنگ و دفاع، می توان «فرهنگ جهاد و شهادت» را به نسل های آینده منتقل ساخت. این، درسی است که وارثان پیروزی و بازماندگان کاروان شهادت، از سیره فاطمه زهرا(ع) می آموزند.

اینها گوشه ها و نمونه هایی از سیره و رفتار والای آن بانوی بزرگ بود. باشد که مرام و شیوه او، الگوی همه ما باشد، پیوسته و در همه حال و همه جا.

پی نوشت ها

[1] مناقب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 341.

[2] علل الشرایع، ج 1، ص 216.

[3] یعنی 34 بار الله اکبر، 33 بار الحمدلله و 33 بار سبحان الله.

[4] مناقب، ج 3، ص 341.

[5] انسان/ 8.

[6] وسائل الشیعه، ج 4، ص 1033.

[7] نهج البلاغه، شرح ابن ابی الحدید، ج 15، ص 36.